



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



18 سپتمبر 2025

داکتر سید عبدالله کاظم

قابل توجه جناب داکتر صاحب نور احمد خالدي و دیگر هم نظران شان

(قسمت سوم)

نگاهی مختصر به تحولات عمده در جریان سلطنت امیر حبیب الله خان سراج

بعد از آنکه امیر عبدالرحمن خان وفات کرد، پسر بزرگش شهزاده حبیب الله خان در سن 29 سالگی بتاریخ 12 میزان 1280 ش (4 اکتوبر 1901) بدون مشکل بر تخت سلطنت تکیه زد. امیر جدید در طول سلطنت خود کوشید تا کشور را از تحت الحمایگی انگلیس بیرون کند، اما موفق نشد و عمر برایش وفا نکرد و پس از تقریباً 18 سلطنت در سال 1919 در یک سفر تفریحی در محل "کله گوش - لغمان" بطور مرموز به شهادت رسید.

تحولاتیکه طی دوره سلطنت امیر حبیب الله خان در بُعد داخلی و خارجی روی داد و بر جریان امور اثر گذاشت، یکی از مباحث پیچیده تاریخ معاصر کشور است که مهمترین آنها را میتوان چنین خلاصه کرد: پیش گرفتن سیاست نرمش امیر جدید و جلب خاطر کسانی که از پدرش رنجیده بودند؛ برگشت خانواده های تبعیدی به وطن با افکار جدید و آشنائی شان با شرایط مدرن عصر؛ سفر امیر به هند و فریفته شدن او با شیوه های جدید زندگی و نوآوریها در زمینه های مختلف؛ توجه به معارف و تأسیس مکتب حبیبیه و مکتب حریبه؛ نشر سراج الاخبار و تأثیر آن بر ذهنیت های مردم؛ ضدیت با استعمار و آغاز روشنفکری بین یک تعداد و آگاهی از مسائل و رویداد های مهم جهان؛ نفوذ فرهنگ ترکیه و احترام مردم به خلافت عثمانی؛ بروز مخالفت ها در برابر امیر ناشی از فرو رفتن او در زندگی خصوصی و سپردن قدرت به چند عضو خانواده با موجودیت رقابت های داخلی و خانوادگی و نیز تشکل گروپ دیگر مخالفان امیر به دلیل نزدیکی امیر با انگلیسها.

در بُعد خارجی نیز تحولاتی پدید آمد که بر چگونگی رویداد ها در افغانستان اثر گذاشت، از جمله: مبارزات آشکار و پنهان مردم در هند علیه قدرت استعماری بر تانیه؛ توجه مجدد روسها بطرف جنوب و اصرار آنها در روابط آزاد تجارتي با افغانستان؛ بروز مشکلات با دولت فارس در موضوع سیستان و نقش انگلیس در حکمیت قضیه؛ اصرار انگلیسها مبنی بر امضای معاهده جدید با امیر و فشارهای وارده برای گرفتن امتیازات مزید از او؛ برهم خوردن روابط بین کشورهای بزرگ اروپائی که در نتیجه انگلیس، فرانسه و روسیه به حیث قوتهای متحده در برابر آلمان و اتریش (مسمی به قوتهای مرکزی) قرار گرفتند که منجر به جنگ جهانی اول گردید؛ شمول دولت عثمانی در جنگ به حمایت از جناح آلمان و اتریش که به گونه ای با ابراز احساسات مسلمانان در بعضی کشورهای اسلامی از جمله افغانستان همراه شد؛ ورود ماجراجویانه هیئت های مشترک آلمانی و ترکی مسمی به "ندیر مایر- هینتنگ" به افغانستان به امید اینکه بتوانند نظر امیر را به جانب حمایت از "قوتهای مرکزی" جلب نمایند؛ موقف دشوار امیر در بین دو قطب فوق و وارد کردن فشار بر امیر از طرف انگلیسها تا در جنگ بیطرف بماند و به دوستی با آنها ادامه دهد؛ وعده های فریبنده انگلیس مبنی بر شناسائی استقلال افغانستان در صورت اعلام بیطرفی افغانستان در جنگ عمومی اول؛ تلاشهای امیر برای اینکه انگلیس ها بعد از ختم جنگ به وعده خود مبنی بر شناسائی استقلال کامل کشور وفا کنند و نیز مبالغ کمکی وعده داده شده را در بدل بیطرفی با جمله باقیات گذشته به امیر بپردازند. وقوع شهادت مرموز امیر در بحبوحه همین گيرو دارهای سیاسی که گفته میشود به دلایلی دست انگلیس ها در آن شریک بوده است، مانع آن شد که امیر بتواند به هدف اصلی خود یعنی بیرون شدن از تحت الحمایگی انگلیس و استرداد استقلال کامل کشور برسد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

با آنکه مطالب و رویداد های فوق همه مثل حلقه های زنجیر باهم مربوط و یکی بر دیگری در آنوقت اثر گذار بوده است، اما چون موضوع بحث اصلی ما در اینجا بر تلاش های بی نتیجه امیر در رفع تحت الحمایگی از انگلیسها در روابط خارجی بیشتر متمرکز می باشد، لذا توجه را در این می بحث بیشتر به مشکلاتی معطوف میدارم که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم بر دوام تحت الحمایگی در آن دوره اثر گذار بوده اند، از جمله:

فشار های وارده بر امیر تا معاهده جدید را با برتانیه امضاء کند:

هنوز امیر عبدالرحمن خان حیات داشت و اما از شدت مریضی رنج می برد، لارڈ کرزن به عیادتش به کابل آمد و از امیر در باره جانشین او پرسید. امیر برای بار اول از شهزاده حبیب الله پسر ارشد خود به حیث جانشین نام برد. لارڈ کرزن سپس در نامه ای در ماه دسمبر 1898 به امیر اطمینان داد که امارت پسرش را قبول دارد و علاوه کرد که: «لشکر برتانیه در صورتیکه حبیب الله تقاضا کند، آماده خواهد بود برای کمک به او بسوی جلال آباد حرکت کند؛ سرداران افغان که در حال تبعید در قلمرو برتانیه زندگی میکنند، زیر مراقبت گرفته میشوند، در صورتیکه حبیب الله موفق گردید بر مسند فرمانروائی بنشیند، بحکومت روسیه اطلاع داده خواهد شد که از نگاه سیاست بین المللی موقف افغانستان همانست که بود.» لارڈ کرزن در نامه خود علاوه کرد که: «از آنجائیکه تعهدات برتانیه و عبدالرحمن شخصی بود، لازم است حالا تعهدات جدید براساس روحیه کاملاً تازه عقد گردد. حکومت برتانیه پیشنهاد لارڈ کرزن را در مورد اعزام یک هت جهت مذاکره با حبیب الله خان تأیید کرد.

لارڈ کرزن میخواست در معاهده جدید امتیازات ذیل را از امیر حبیب الله خان بدست آورد: 1 - تصفیه و تصحیح سرحد افغان و هند برای مقاصد سوق الجیشی؛ 2 - ترتیبات برای حصول معلومات در امور خارجه افغانستان از جمله حرکات عساکر، تقسیم و توزیع نیروهای نظامی، تسلیحات و مهمات حربی؛ 3 - کنترل تهیه اسلحه و تضمین اینکه این اسلحه علیه هند استعمال نشود؛ 4 - بهبود ارتباطات بین هند، قندهار و کابل و اطلاعات درباره جاده ها و تمام راه های افغانستان؛ 5 - قطع کمک واقعی و لفظی به مردمان قبایل سرحدی داخل قلمرو برتانیه؛ 6 - تأسیس نمایندگی افسران برتانیه در طرح پلانیهای دفاعی در برابر روسیه. (آدامک: "تاریخ روابط سیاسی... صفحه 35 آ 36)

امیر حبیب الله خان وحلقه مشاوران او، بخصوص برادرش سردار نصرالله خان که در مخالفت انگلیسها شخص با نفوذ در بین قبائل بود، این پیشنهاد را ننگ آورتر از معاهده گندمک دانسته و اصرار میکرد که دولت افغانستان به موافقات قبلی متعهد است و لزوم معاهده جدید را نمی بیند. اما حکومت هند با ارسال تعزیت نامه از امیر جدید خواست هیئتی را از طرف حکومت هند در کابل جهت مذاکره راجع به معاهده جدید پذیرا شود. امیر در جواب نوشت که معاهده پدرش را با حکومت برتانیه تا زمانیکه حکومت برتانیه به آن وفا دار باشد، محترم می شمارد. لارڈ کرزن در نامه بعدی خود به امیر حبیب الله خان وانمود کرد که چون شرایط معاهده 1880 با امیر عبدالرحمن خان یک معاهده شخصی بود و در مورد امیر جدید تطبیق نمیشود، لذا تا وقتیکه معاهده جدید صورت نگیرد، امیر نمیتواند از حمایت و اعانه برتانیه برخوردار گردد. اما امیر جدید در برابر ادعای لارڈ کرزن استدلال میکرد که: چون در زمان فوت ملکه ویکتوریا لازم نیفتاد معاهده تجدید نظر گردد، به همان منوال بعد از فوت پدرش لزومی به تجدید معاهده دیده نمیشود. لارڈ کرزن ناگزیر به دلیل آغاز مذاکرات هیئت مکماهون و حل معضله سیستان بین ایران [آنوقت فارس] و افغانستان لازم دید تا موقتاً موضوع معاهده جدید را به تعویق اندازد. (مأخذ بالا... صفحه 37 تا 39)

در این موقع روسیه آرزومند برقراری روابط مستقل تجارتي با افغانستان شد. پس از مباحثات زیاد در 29 جنوری 1902 حکومت برتانیه بطورشفاهی از طریق سفیر خود به جانب روسیه اطمینان داد که: «حکومت اعلیحضرت برتانیه آرزو ندارد روی این موضوع با روسیه نزاع نماید...، لیکن از آنجائیکه زمام امور روابط خارجی (افغانستان) را برتانیه در دست دارد، ترتیباتی که اندرین زمینه صورت میگیرد، بایستی با موافقت برتانیه عملی گردد. ترتیبات آن [امور فرعی] به روسیه واگذار میشود، به شرطیکه روسیه ضمانت کند که هرگونه روابط آن با افغانستان از خصوصیت سیاسی عاری باشد.»

محدودیت‌های روابط با روسیه از یکطرف و پیشنهادات حکومت برتانیه در مورد قرارداد جدید بین امیر حبیب الله خان و مقامات هند برتانوی از طرف دیگر موجب بروز مشکلات گردید و امیر در برابر آن مقاومت میکرد که در اثر آن روابط با برتانیه دچار مشکل گردید. ابا ورزی برتانیه از تادیه مستمری به امیر حبیب الله براین مشکلات می افزود و امیر جدید تنها میتواند از سهمیه مستمری پدر خود که نزد حکومت هند گذاشته شده بود، استفاده کند. امیر حبیب الله خان در نامه ای از این بابت به حکومت هند شکایت کرد و به نائب السلطنه هند برتانوی خاطر نشان ساخت: «در صورتیکه من مستحق مستمری و مدد خرج نیستم، میخواهم بدانم که در اثر کدام معاهده حکومت هند اصرار دارد روابط بین افغانستان و روسیه را کنترل کند. اگر معاهدات سابق از اعتبار ساقط است، بهمان منوال معاهده دیورند نیز بیش از این معتبر نخواهد بود.» (مأخذ بالا.. صفحه 46 - 47)

پاسخ به این سؤال برای حکومت هند در حقیقت یک موضوع بسیار مشکل بود و به همین دلیل نائب السلطنه لارڈ امپتھیل Lord Ampthill به امیر پیشنهاد کرد تا جهت رفع مشکلات یک افسر عالی‌رتبه برتانوی را به کابل اعزام دارد و امیر این پیشنهاد را قبول نمود. لارڈ در نظر داشت شرایط سنگین را برامیر تحمیل کند، اما حکومت برتانیه به نائب السلطنه هند برتانوی توصیه کرد تا با امیر کنار آید و بکوشد امیر را با آنچه در معاهده قبلی گنجانیده شده بود، راضی نگه‌دارد و از پیشنهادات سختگیرانه صرف نظر کند. به این اساس حکومت برتانیه به لوئیس دن L. Dane رئیس هیئت هند برتانوی در کابل نامه فرستاد تا زمینه تجدید معاهده سابق را با امیر فراهم سازد. پس از این همه جنجال‌ها، دن به امیر اطمینان داد که: «تا زمانیکه کردار و اعمال امیر قناعت بخش باشد، مستمری ادامه داشته و تسهیلات برای ورود اسلحه به افغانستان فراهم خواهد شد، در عوض این امداد برتانیه از امیر میخواهد در موارد ذیل موافقه کند:

- 1 - اداره و کنترل روابط خارجی،
- 2 - توطئه نکردن با قبایل سرحدی،
- 3 - تأمین قدرتی که با برتانیه دوست بوده و سد راه پیشرفت روسیه گردد،
- 4 - فراهم آوری تسهیلات تجارتي» (مأخذ بالا... صفحه 59)

به این اساس مذاکرات با اشتراک دن، دایس و گرانت بتاريخ 15 دسمبر 1904 در قصر امیر در کابل آغاز گردید و تا مارچ سال 1905 بطور خسته کن ادامه یافت. امیر بار دیگر تکرار کرد که: «وی روابط سیاسی افغانستان را با دول خارجی از طریق برتانیه عملی مینماید و از برتانیه بدان طریق استعانت می جوید که به حیثیت مذهبی و عزت نفس او صدمه نزند». امیر خطر روسیه را بیشتر از زمان پدرش می پنداشت و وعده داد نظرش را در مورد پیشنهادات دن بطور کتبی تقدیم خواهد کرد. امیر موضوع را به یک شورای بزرگ جهت غور ارجاع نمود و شورا نظریات امیر را تأیید کرد که با این ترتیب اختلاف نظر بین امیر و هیئت برتانوی حل نگردید و در نتیجه خطر برهم خوردن مذاکرات متصور بود. در این وقت حکومت برتانیه به دن هدایت داد تا نظریات امیر را بپذیرد و در اثر این نرمش و بعد از مباحثات زیاد بالاخره بتاريخ 21 مارچ 1905 معاهده بین امیر و نماینده برتانیه در کابل امضاء شد.

در نتیجه این معاهده موضوع کنترل و اداره روابط خارجی افغانستان در دست انگلیس ادامه یافت، برتانیه آماده بود بعضی ارتباطات محلی غیر سیاسی را در سرحد افغان و روس اجازه دهد، لکن انگلیسها در عین زمان از امیر توقع داشتند پیشنهاد مبنی بر اینکه چطور آن رابطه را با روس ها کنترل کند، بحکومت هند اطلاع دهد... اعانه و مستمری باقیمانده بدون عوض به امیر پرداخته شد... مسئله توريد اسلحه به افغانستان بهمان حالت قبلی باقی ماند یعنی در معاهده جدید محدودیت ها و قیودی بر آن گذاشته نشد... برای نماینده برتانیه در کابل اجازه تماس با افسران عالی‌رتبه افغانی داده شد و قید موجودیت گارد افغانی در مدخل نمایندگی برتانیه در کابل برطرف گردید ... امیر وعده سپرد که روش پدرش را در باره روابط با قبایل سرحدی مرعی دارد. (مأخذ بالا ... صفحه 78 - 79)

(ادامه دارد)

آرشیف: مطالب دیگر محترم داکتر سید عبدالله کاظم